

آفتاب حقوقی

سه‌شنبه ۲۱ آذر ماه ۱۴۰۲ • سال دوم • شماره ۴۲ (آفتاب حقوقی به همراه روزنامه سراسری آفتاب بزد)

خاطراتی
از استاد
امیرناصر کاتوزیان



صفحه ۳

شعبه ویژه دیوان عدالت اداری

در قانون جدید بانک مرکزی

طرح بانک مرکزی ج.ا.ا. با هدف اصلاح قوانین بانکداری مرکزی در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفت. پس از اعمال تغییرات فراوان در متن طرح در طول مهر و موم‌های اخیر، نهایتاً کلیات این طرح در سال ۱۴۰۰ و به صورت دو شوری به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در ادامه پس از ۵ مرحله ایراد شورای نگهبان، مصوبه ۱۴۰۲/۳/۳۰ مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۷/۸/۱۴۰۲ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأیید تبصره



دکتر فرشید فرحناکیان
عضو هیئت‌مدیره کانون وکلای مرکز

(۲) ماده ۴ و اصلاح بند (الف) ماده ۷ و مواد ۱۸، ۲۲ و ۶۶، موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد.

به موجب این قانون بانک مرکزی موظف شده است اقدامات حاکمیتی ذیل را در رابطه با افزایش توان نظارتی بانک مرکزی با استفاده از ساختار و ترتیبات مقرر پیگیری نماید: (۱) سیدگی به تخلفات «اشخاص تحت نظارت» و اعمال مجازات قانونی در مورد آن‌ها؛ (۲) رسیدگی به اختلافات «اشخاص تحت نظارت» با یکدیگر و دعوی حقوقی مشتریان و سایر ذینفعان علیه «اشخاص تحت نظارت» و بالعکس؛ (۳) پیگیری جرائم پولی و بانکی (ماده ۲۱).

کلیه مؤسسات اعتباری، صندوق‌های قرض‌الحسنه، تعاونی‌های اعتبار و سایر مؤسسات سپرده پذیر، شرکت‌های واسپاری (لیزینگ)، صرافی‌ها، شرکت‌های مدیریت دارایی‌های مؤسسات اعتباری، شرکت‌های اعتبارسنجی ارائه‌دهنده خدمات به مؤسسات اعتباری و سایر اشخاصی که به انجام عملیات یا ارائه خدمات بانکی و ارائه ابزارهای پرداخت، اشتغال دارند، در قانون بانک مرکزی، با عنوان «اشخاص تحت نظارت» یاد می‌شوند. تشخیص مصادیق، بر عهده بانک مرکزی است (بند (ر) ماده ۱).

تا قبل از تصویب این قانون، هیئت انتظامی موضوع قانون پولی و بانکی کشور ظرفیت الزام برای مقابله با تخلفات اشخاص تحت نظارت را نداشته و واجد مشکلات جدی بود. از جمله مشکلات و معضلات این هیئت وجود نماینده بانک‌ها و اشخاص تحت نظارت در آن به عنوان عضو صاحب‌رای است که باعث شکل‌گیری تعارض منافع (حضور نماینده متخلف در هیئت انتظامی) شده بود. در قانون بانک مرکزی نماینده بانک‌ها از ترکیب هیئت انتظامی حذف شده تا این تعارض منافع کنترل شود. مشکل دیگری که در وضعیت فعلی هیئت انتظامی بانک مرکزی وجود داشت به امکان نقض یا تعلیق آرای صادره این هیئت انتظامی در دادگاه‌ها و یا دیوان عدالت اداری مربوط بود. با

توجه به عدم تخصص این دادگاه‌ها در رسیدگی به امور مربوط به شبکه بانکی، این مشکل به یکی از موانع عملکرد مطلوب و مناسب هیئت انتظامی تبدیل شده است. در قانون بانک مرکزی این نقیصه از طریق واگذاری قضاوت به هیئت انتظامی (در



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

دریافت وجه برای تشکیل پرونده کمیسیون ماده ۱۰۰ غیرقانونی است



سید بهادر بهادری
حقوقدان

در برخی موارد مشاهده می‌شود شوراها شهر اقدام به وضع مصوباتی می‌نمایند که مردم باید برای تشکیل پرونده کمیسیون ماده صد مکلفند مبالغی به شهرداری بپردازند این

در حالیست که برابر مصوبات متعدد هیات عمومی دیوان عدالت اداری اقدام شورای شهر در تعیین عوارض و بهای...
صفحه ۳

۱ دادداشت

عقود و تعهدات قراردادی



حمیدرضا به گذر
وکیل پایه یک دادگستری

حقوقدانان مقتضای عقد را بر دودسته دانسته‌اند: مقتضای ذات عقد و مقتضای اطلاق عقد اول: مقتضای ذات عقد: آن عبارتست از اثری یا امری که عقل برای پیدایش آن منعقد می‌گردد و عقد

بالذات تولیدکننده است و چنین اثری لاینفک از عقد خواهد بود بنابراین وقتی که می‌گویند شرط خلاف مقتضای عقد، موجب بطلان...
صفحه ۸

۲ دادداشت

مجازات کلاهبرداری برای مؤسسات و واحدهای آموزشی فاقد مجوز



نگار کمال
وکیل پایه یک دادگستری

برابر قانون تعطیل مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی که بدون اخذ مجوز قانونی دایر شده و می‌شوند، اشخاصی که بدون اخذ مجوز از مراجع قانونی اقدام به ایجاد مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی از قبیل...
صفحه ۸

۳ دادداشت

بخشودگی جرایم و تقسیط بدهی مالیاتی مؤدیان کوچک



مهديه رعیتی
کارشناس حقوق

اشخاص حقیقی که اصل مالیات سال یا دوره آنها در هر یک از منابع از ۱۵۰ میلیون ریال و اشخاص حقوقی که اصل مالیات سال یا دوره آنها کمتر از یک میلیارد و دوپست میلیون ریال بوده و اعتراض آنها به برگ تشخیص مالیاتی تا...
صفحه ۷

صفحه ۳

تشریح ناکارآمدی قانون جدید چک در کاهش پرونده‌های ورودی به دستگاه قضا

یک دعوا کم شد و ۷ دعوای دیگر اضافه!

چک که مشخصاتشان توسط صادرکنندگان درج نمی‌شود و آن‌ها با یک برگه از چک سروکار دارند که وضعیت حقوقی آن طبق قانون مشخص نشده است.

این حقوقدان اظهار کرد: این قانون بیشتر با رویکرد بانکی نوشته شده تا حقوقی و به نظر می‌رسد که از مشورت قوه قضاییه و جامعه حقوقدانان کمتر استفاده شده است.

مشهدی‌زاده ادامه داد: ماده ۲۳ قانون اصلاح قانون چک می‌گوید: دارنده چک می‌تواند با گواهی عدم پرداخت از دادگاه صالح تقاضای اجرائیه نسبت به مبلغ چک را کند و برای این امر سه شرط در نظر گرفته است؛ اینکه تضمین نباشد، گواهی عدم پرداخت دارای شرایط ماده ۱۴ یا کد یکتا باشد و

مشروط هم نباشد.

وی ادامه داد: اگر چک وصول نشد، دارنده برگ چک آن را به دادگاه می‌برد و اجرائیه صادر و مطابق قانون اجرای احکام مدنی فرایند اجرا قید می‌شود. اما برای بعد از آن می‌توان ۷ دعوا را متصور بود؛ یعنی بعد از اینکه اجرائیه صادر شد، می‌توان ۷ دعوا یا عنوان حقوقی در خصوص این اجرائیه در محاکم مطرح کرد که عبارتند از: ۱- دستور توقف اجرا ۲- دعوای استرداد لاشه چک ۳- دعوای مطالبه خسارت تأخیر تأدیه و حق الوکاله وکیل ۴- دعوای ابطال اجرائیه مطالبه چک از سوی صادرکننده ۵- دعوای مطالبه وجه چک از ضامنین و ظهرنویسان ۶- الزام صادرکننده به درج مشخصات چک در سامانه صیاد ۷- دعوای مطالبه چک ثبت نشده در سامانه صیاد.

این حقوقدان افزود: بنابراین بانک مرکزی از یک بابت درست می‌گوید و عنوان دعوایی به نام مطالبه وجه چک کم شده اما در عوض آن ۷ عنوان دیگر به فرآیند دادرسی ایران اضافه شده است.

مشهدی‌زاده در پایان با بیان اینکه چک به عنوان یک سند پرداخت سریع و تجاری از حیز انتفاع در مبادلات تجاری خارج شده است، گفت: پس می‌شود این جمع‌بندی را داشت که آنچه در قوه قضاییه و مسئولین در خصوص افزایش تعداد پرونده‌ها در خصوص چک بلامحل بیان می‌کنند مقرون به صحت است. / تسنیم



ورودی به دستگاه قضا با موضوع چک تأثیر مورد انتظاری نداشته، گفت‌وگوی کوتاهی با علی مشهدی‌زاده، حقوقدان و عضو هیئت علمی دانشگاه انجام دادیم. وی در ابتدا گفت: قانون صدور چک در ادوار مختلف اصلاحاتی در آن رخ داده است. اصل این قانون مصوب سال ۱۳۵۵ است که آخرین اصلاح آن در سال ۱۳۹۷ بوده است. اصلاحات آخر صورت گرفته در این قانون مفهوم چک را از آنچه در قانون تجارت به آن اشاره شده دور کرده است و حالا با مفهوم جدیدی از چک مواجه هستیم.

وی تأکید کرد: علت تغییرات متعدد در قانون چک صدور چک‌های بلامحل زیاد است اما به نظر می‌رسد قانونگذار در اصلاح آخری که انجام داده کمی دچار افراط شده است.

مشهدی‌زاده ادامه داد: یکی از مواردی که در این قانون الزامی دانسته شده، این است که وقتی چک صادر می‌شود حتماً مشخصات طرف دارنده از سوی صادرکننده در سامانه صیاد درج شود. اگر این مشخصات دارنده از سوی صادرکننده در سامانه‌ها درج نشود، چک قابل پرداخت نیست.

وی افزود: همین نکته کوچک باعث شده که با دو معضل مواجه باشیم؛ اول اینکه چک را عنوان ابزار پرداخت تجاری آسان و سریع عقیم کرد؛ دومین نکته این است که ضمانت اجرایی در خصوص عدم ثبت مشخصات دارنده چک در سامانه در نظر گرفته نشده است و چه بسیار دارندگان

یک حقوقدان به تشریح چرایی ناکارآمدی قانون جدید چک در کاهش پرونده‌های ورودی به دستگاه قضا پرداخت و گفت: عنوان دعوایی به نام مطالبه وجه چک کم شده اما در عوض آن ۷ عنوان دیگر به فرآیند دادرسی ایران اضافه شده است.

حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه در بازدیدهای میدانی خود از مراجع و مراکز قضایی، از مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران بازدید کرد و هنگام سرکشی از یکی از شعب دادگاه‌های حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی این سؤال را از مسئولین مربوطه مطرح کرد که قانون اصلاح قانون صدور چک چه میزان در کاهش آمار ورودی پرونده‌ها نقش داشته است؟ رئیس کل محاکم تهران در پاسخ تأکید کرد: قانون جدید چک تأثیر قابل اعتنایی در تقلیل ورودی پرونده‌ها نداشته است.

واکنش رئیس قوه قضاییه به پاسخ این بود: زمانی چنین مطرح می‌کردند که با اجرایی شدن قانون جدید چک بالغ بر ۹۰ درصد از ورودی‌های این مقوله به مراجع قضایی کاسته می‌شود اما امروز در آسیب‌شناسی میدانی مشاهده کردیم که انتظارات در این زمینه در عرصه عمل آنطور که باید محقق نشده است.

اژه‌ای: انتظارات از قانون جدید چک محقق نشده است

انتشار خبر آنچه در بالا خواندید موجی از واکنش‌ها را در پی داشت و بسیاری در جامعه انتظار شنیدن آن را نداشتند. بر این اساس ربع‌اله قربانی، رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب تهران در رابطه با تأثیر اصلاح قانون چک در کاهش ورودی پرونده‌ها به محاکم اظهار کرد: صحبت‌های مطرح شده در رابطه با قانون جدید چک به این معنا نیست که این قانون تأثیر چندانی نداشته است و از لحاظ نوآوری‌ها کلا بد و یا غیر کارآمد است، بلکه این قانون تأثیر چندانی در سیستم قضایی ایران با توجه به اهداف قانون‌گذار نداشته است، زیرا سبب کاهش مراجعه مردم به محاکم و کاهش تشکیل پرونده‌های قضایی نشده است.

برای آنکه بدانیم چرا این قانون در کاهش پرونده‌های

مصدق بزه استنکاف از اجرای دستور مقام قضایی

خواه در اتهام استنکاف از اجرای دستور قضایی به استناد ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری با استناد به مواد ۳ و ۱۹ و ۳۷ قانون مجازات اسلامی به پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی محکومیت یافته است دادگاه با بررسی محتویات پرونده و ملاحظه لایحه دفاعیه تجدیدنظر خواه دفاعیات وی را با توجه به دستور قضایی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۰ متضمن بازرسی محل وقوع جرم و اعطاء اختیار ورود به مخفیگاه ۲۴ ساعته را کافی در انجام دستورات و در صورت وجود مانع اخذ دستور جدید موجه نمی‌داند چه آنکه با فاصله ۴۸ روزه مبادرت به گزارش و درخواست استفاده از قفل‌ساز را نموده است لہذا دادگاه دادنامه معترض عنه را که وفق موازین قانونی و رعایت تشریفات اصدار یافته مستفاد از بند الف ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب ضمن رد تجدیدنظرخواهی تأیید می‌نماید. رأی صادره قطعی است.

نمی‌باشد خصوصاً اینکه موضوع از موارد مهمه (تجاوز به عنف و خودکشی) بوده که لازم بود به صورت ویژه اقدامات لازم صورت می‌گرفت دادگاه وقوع بزه را محرز دانسته به استناد ماده ۱۶ از قانون آیین دادرسی کیفری و رعایت ذیل تبصره ۳ ماده ۱۹ و بند ت از ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی به لحاظ وضعیت خاص وی و همکاری وی در جلب متهم فراری نامبرده را به پرداخت مبلغ ده میلیون ریال به عنوان جزای نقدی محکوم می‌نماید. این رأی حضوری و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض و رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر مرکز استان (تهران) می‌باشد.

رأی دادگاه تجدیدنظر استان

در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای ر. ق. نسبت به دادنامه شماره ۹۴۰۱۰۴ مورخ ۱۳۹۴/۳/۳ صادره از شعبه ۱۰۶۰ دادگاه عمومی و جزایی تهران که به موجب آن تجدیدنظر

عدم ارائه گزارشاتی که توسط مقام قضایی به ضابط دادگستری ارجاع شده در مهلت معقول، مصداق بزه استنکاف از اجرای دستور قضایی است.

رأی دادگاه بدوی

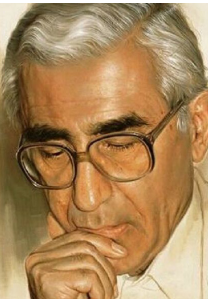
درخصوص اتهام آقای ر. ق. دایر به استنکاف از اجرای دستور قضایی با توجه به اعلام جرم ریاست محترم شعبه ۷۵ دادگاه کیفری استان تهران و تحقیقات انجام یافته و ملاحظه تاریخ گزارش کلانتری (۱۳۹۳/۸/۳) و ارجاع انجام یافته به شعبه ۷۵ دادگاه کیفری استان (۱۳۹۳/۸/۷) و تاریخ دستور (۱۳۹۳/۸/۲۰) و تاریخ تنظیم گزارش کلانتری (۱۳۹۳/۹/۲۳) و تاریخ ارسال برای ریاست محترم شعبه مذکور (۱۳۹۳/۱۰/۸) که حکایت از عدم رعایت ماده ۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری داشته و اینکه دفاعیات متهم با تأخیر ۴۸ روزه در ارسال گزارش قابل قبول و مؤثر در مقام

یکی از دلایل اثبات دعوا اقرار است؛ یعنی هرگاه شخصی نسبت به وجود حقی برای دیگری بر ضد خود به نحوی اقرار نموده باشد، میتواند به نفع ذیحق به عنوان دلیل در دادگاه محسوب شود و به استناد اقرار شخص محکوم گردد. مگر آنکه اقرار کننده اثبات نماید که اقرار او باطل یا مبتنی بر اشتباه یا غلط بوده و یا عذر قابل قبولی داشته باشد مانند اینکه اثبات نماید اقدام به گرفتن وجه در مقابل سند یا حواله ای بوده که وصول نشده است.



خاطرات حقوقی

خاطراتی از استاد امیرناصر کاتوزیان



برگرفته از کتاب «آن سفر کرده» / «دکتر عیسی کشوری»

با استاد جهت شرکت در همایشی به دادگستری البرز رفتیم. یکی از قضات از ایشان پرسید: شما در زمان پهلوی قضاوت می‌کردید یا توجه به سیستم حکومتی و اعتقادی آن زمان، آیا قضات دیگر هم مثل شما عادل و باسواد بودند؟ استاد فرمودند: آنها شریف و باسواد بودند، فقط یک قاضی بود که کارمند دفتری‌اش پولی می‌گرفت و وقت‌ها و پرونده‌ها را جابه جا می‌کرد به تدریج وقتی دوستان و همکاران از کارش مطلع شدند، دیگر هیچ کس با او حرف نمی‌زد و این موضوع باعث انزوای او شد و پس از مدتی آن قاضی، کلاً قضاوت و دادگاه را رها کرد و رفت.

سرمقاله

دریافت وجه برای تشکیل

پرونده کمیسیون ماده ۱۰۰ غیرقانونی است

در برخی موارد مشاهده می‌شود شوراها شهر اقدام به وضع مصوباتی می‌نمایند که مردم باید برای تشکیل پرونده کمیسیون ماده صد مکلفند مبالغی به شهرداری بپردازند این در حالیست که برابر مصوبات متعدد هیات عمومی دیوان عدالت اداری اقدام شورای شهر در تعیین



سید بهادر بهادری حقوقدان

عوارض و بهای خدمات برای مواردی از قبیل پاسخگویی به استعلامات و تشکیل پرونده توسط شوراها اسلامی شهر خلاف قانون و خارج از حدود اختیار بوده است لذا دریافت هرگونه وجه از مردم تحت عنوان عوارض محلی و بهای خدمات شهری (با عنوان بهای هزینه تشکیل پرونده کمیسیون ماده ۱۰۰) غیرقانونی است.

بخشودگی جرایم و تقسیط بدهی

مالیاتی مؤدیان کوچک

اشخاص حقیقی که اصل مالیات سال یا دوره آنها در هر یک از منابع از ۱۵۰ میلیون ریال و اشخاص حقوقی که اصل مالیات سال یا دوره آنها کمتر از یک میلیارد و دویست میلیون ریال بوده و اعتراض آنها به برگ تشخیص مالیاتی تا بیستم آبان ماه به امور مالیاتی تسلیم شده باید چنانچه حداکثر تا ۱۵ دی ماه سال جاری



مهدیه رازی کارشناس حقوق

انصراف خود را از اعتراض اعلام و مالیات تعیین شده تا مرحله اعتراض را قبول نماینده مشمول بخشودگی ۱۰۰ درصدی جرایم قابل بخشش و تقسیط بدهی مالیاتی تا ۲۴ ماه از تاریخ ابلاغ برگ قطعی خواهند شد.

آیین دادرسی جرایم اشخاص حقوقی

ب - قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی آن شود. تخلف از این ممنوعیت موجب یک یا دو نوع از مجازات‌های تعزیری درجه هفت یا هشت برای مرتکب است.

در صورت توجه اتهام به شخص حقوقی صدور قرار تامین خواسته طبق مقررات این قانون بلامانع است.

در صورت انحلال غیر ارادی شخص حقوقی حسب مورد قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجراء صادر می‌شود. مقررات مربوط به قرار موقوفی تابع مقررات آیین دادرسی کیفری است. در مورد دیه و خسارت ناشی از جرم وفق مقررات مربوط اقدام می‌شود.

در صورتیکه شخص حقوقی دارای شعب یا واحدهای زیرمجموعه متعدد باشد، مسوولیت کیفری تنها متوجه شعبه یا واحدی است که جرم منتسب به آن است. در صورتیکه شعبه یا واحد زیرمجموعه بر اساس تصمیم مرکزیت اصلی شخص حقوقی اقدام کند، مسوولیت کیفری متوجه مرکزیت اصلی شخص حقوقی نیز می‌باشد. اظهارات نماینده قانونی شخص حقوقی علیه شخص حقوقی اقرار محسوب نمی‌شود و ایتیان سوگند نیز متوجه او نیست. در مواردیکه مقررات ویژه‌ای برای دادرسی جرائم اشخاص حقوقی مقرر نشده است مطابق مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری که در مورد این اشخاص قابل اجراء است اقدام می‌شود.

هرگاه دلیل کافی برای توجه اتهام به اشخاص حقوقی وجود داشته باشد، علاوه بر احضار شخص حقیقی که اتهام متوجه او می‌باشد، با رعایت مقررات مربوط به احضار، به شخص حقوقی اخطار می‌شود تا مطابق مقررات نماینده قانونی یا وکیل خود را معرفی نماید.

هرگاه دلیل کافی برای توجه اتهام به اشخاص حقوقی وجود داشته باشد، علاوه بر احضار شخص حقیقی که اتهام متوجه او می‌باشد، با رعایت مقررات مربوط به احضار، به شخص حقوقی اخطار می‌شود تا مطابق مقررات نماینده قانونی یا وکیل خود را معرفی نماید. عدم معرفی وکیل یا نماینده مانع رسیدگی نیست. فردی که رفتار وی موجب توجه اتهام به شخص حقوقی شده است، نمی‌تواند نمایندگی آن را عهده‌دار شود.

پس از حضور نماینده شخص حقوقی، اتهام وفق مقررات برای وی تبیین می‌شود. حضور نماینده شخص حقوقی تنها جهت انجام تحقیق و یا دفاع از اتهام انتسابی به شخص حقوقی است و هیچ یک از الزامات و محدودیت‌های مقرر در قانون برای متهم، در مورد وی اعمال نمی‌شود.

در صورت وجود دلیل کافی دایر بر توجه اتهام به شخص حقوقی و در صورت اقتضاء منحصر صدور قرارهای تامینی زیر امکانپذیر است. این قرارها ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

الف - قرار ممنوعیت انجام بعضی از فعالیت‌های شغلی که زمینه ارتکاب مجدد جرم را فراهم می‌کند.

قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی

قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی، مشتمل بر ماده واحده و سه تبصره است.

قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی، مشتمل بر ماده



واحده و سه تبصره در جلسه علنی مورخ ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۵ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۸۵ به تایید شورای نگهبان رسیده است. ماده واحده - دولت و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلفند ساز و کار تجهیز و تخصیص منابع بانکی را چنان سامان دهند که سود مورد انتظار

تسهیلات بانکی در عقود با بازدهی ثابت طی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به طوری کاهش یابد که قبل از پایان برنامه نرخ سود اینگونه تسهیلات در تمامی بخش‌های اقتصادی یک رقمی گردد.

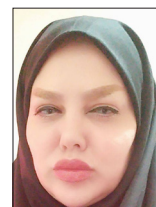
تبصره ۱ - درباره عقود با بازدهی متغیر، بانکها مکلفند بدون تعیین نرخ سود مورد انتظار، بر اساس مفاد قانون عملیات بانکی

بدون ربا، در حاصل فعالیت اقتصادی مورد قرارداد شریک شوند، در عقود امور مشارکت برای تولید، مذکور در تبصره بند (ب) ماده (۳) قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲، بانک نمی‌تواند از شریک وثیقه خارج از طرح بخواهد. تبصره ۲ - بانکها در اعطای تسهیلات و تأمین مالی طرح‌های دارای توجیه اقتصادی، بخش‌های خصوصی و تعاونی را نسبت به بخش دولتی در اولویت قرار دهند.

تبصره ۳ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است آیین نامه اجرایی این قانون را حداکثر ظرف مدت دو ماه از تاریخ تصویب با هماهنگی وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و پس از تصویب هیات وزیران به مورد اجراء گذارد.

ضمناً بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است هر شش ماه یکبار گزارشی از چگونگی اجرای این قانون را به کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ارسال نماید.

منع اشتغال همسر



زهرا رستمی کارآموز مرکز وکلای قوه قضائیه

برابر قانون مدنی شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع کند. هر چند اشتغال زن در سازمانهای دولتی را نمی‌توان منافی با حیثیت او تلقی کرد بنابراین در صورتی که شوهر قبل از ازدواج به وضع استخدامی زن آگاه بوده و با رضایت کامل بر این، صیغه عقد نکاح جاری شده باشد نمی‌تواند از اشتغال همسرش جلوگیری کند

سوال: در بسیاری موارد در هنگام ازدواج زمانی که عاقد اقدام به ثبت واقعه ازدواج می‌نماید شغل زوجه را سوال می‌کند و چنانچه زوجه اعلام کند شغل او کارمند دولت است و زوج با علم و اطلاع از اینکه همسرش شغل دولتی دارد و عملاً با رضایت به این امر با او ازدواج کرده است. آیا اکنون پس از گذشت مدتی از وقوع ازدواج می‌تواند مانع از اشتغال وی شود یا خیر؟



- سه‌شنبه ۲۱ آذر ماه ۱۴۰۲•سال دوم • شماره ۴۲

قوانین

قوانین متعددی در رابطه با حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم و هوای پاک در ایران تصویب شده که آخرین قانون مصوب در زمینه مقابله با آلودگی هوا، قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ است. در عصر حاضر، محیط زیست در معرض آسیب‌های فراوانی گرفته‌است. محیطی که لازمه تداوم حیات هر انسان است. آلودگی هوا، مشکل محیط زیستی بسیار مهم و حیاتی است که این روزها و طی سال‌های اخیر، موجبات نگرانی میلیون‌ها ایرانی را فراهم کرده است. در این مطلب، قوانین و مقررات مربوط به هوای پاک در ایران، به عنوان یک حق اساسی بشر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

حق برخورداری از محیط زیست سالم و هوای پاک، به عنوان حق اساسی بشر

حق بهره‌مندی انسان‌ها از محیط زیست سالم و پاک، به عنوان یکی از حقوق بنیادین و اساسی بشر، حقی غیرقابل انکار و چشم‌پوشی است. اثر برخورداری از محیط زیستی سالم و پایدار بر زندگی بشر به حدی است که نمی‌توان پیوستگی حقوق بشر و حقوق محیط زیست را نادیده گرفت. حیات بشر در بستر محیط زیست جریان دارد و نه تنها بشر حق زندگی در محیط زیستی سالم و عاری از آلودگی را دارد، بلکه تکلیف صیانت از این امانت را نیز بر عهده دارد.

این حق انعکاس دهنده ارزش‌های والایی همچون حق حیات، حق سلامتی و حق زندگی استاندارد است و ارتباط تنگاتنگی با پیش شرط‌های تداوم حیات نسل کنونی و نسل‌های آینده دارد.

در همین راستا تلاش‌های فراوانی در سطح جهانی صورت گرفته تا از شدت و پیشرفت بحران آلودگی محیط زیست، کاسته شود. بسیاری از اسناد بین‌المللی الزام‌آور و غیر الزام‌آور مانند: اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲)، اعلامیه ریو (۱۹۹۲)، اجلاس جهانی ژوهانسبورگ (۲۰۰۲) و قطعنامه سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۳، حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم و پایدار را مورد تأکید قرار داده‌اند.

تأثیر تغییرات آب و هوایی، مدیریت نادرست و استفاده ناپایدار از منابع طبیعی، آلودگی هوا، زمین و آب، مدیریت نامناسب مواد شیمیایی و پسماندها و از بین رفتن تنوع زیستی و پیامدهای منفی ناشی از آن، به عنوان عوامل محیط زیستی به حدی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم بهره‌مندی و برخورداری مؤثر از حقوق بشر را مختل می‌کند.

از آنجا که آسیب‌های محیط زیستی تمام افراد و جوامع را در سراسر جهان تحت تأثیر قرار می‌دهد، صرف تأیید حق داشتن محیط زیست سالم به هیچ عنوان کافی نیست و ناگزیر باید بستر مناسبی برای احقاق این حق و پاسخگو کردن ناقضان آن فراهم شود تا بتوان از نقض این حقوق تا حد ممکن جلوگیری کرد.

از آنجا که هر حقی، تکلیفی را در پی دارد، حق بر محیط زیست سالم، تکلیف و مسئولیت در برابر محیط زیست را در پی دارد، یعنی همان‌طور که انسان حق دارد از محیط زیست سالم بهره‌مند باشد، این تکلیف را نیز دارد که این حق را برای دیگران به رسمیت بشناسد و از هر عملی که دیگران را از داشتن محیط زیست سالم، محروم کند، خودداری نماید.امروزه حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم به وسیله بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای جهان به رسمیت شناخته شده و در تعدادی از اسناد بین‌المللی و قوانین اساسی کشورها مورد شناسایی قرار گرفته است.

حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

با تصویب قوانین اساسی و سایر قوانین عادی حق بر محیط زیست

اگر در کلاهبرداری عاملین چند نفر باشند جزای نقدی هر یک چگونه محاسبه میشود؟

به موجب ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از یک تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم میشود.

اما اگر کلاهبرداری با مشارکت دو یا چند نفر انجام شده باشد، جزای نقدی هر یک از شرکای جرم به میزان سهم او از مال اخذ شده تعیین خواهد شد و در مواردی که سهم هر یک از شرکا دقیقاً معلوم نباشد، میزان جزای نقدی به صورت مساوی بین آنان تعیین می‌گردد

در صورتی که سهم هر یک از شرکا دقیقاً معلوم نباشد، میزان جزای نقدی به صورت مساوی بین آنان تعیین می‌گردد

اقدامات دستگاه قضا در زمینه اجرای قانون هوای پاک

هر ۶ ماه یکبار به کمیسیون

کشاورزی، آب، محیط

زیست و منابع طبیعی

مجلس ارسال نماید.

۲)مشور حقوق شهروندی

بر اساس ماده ۱۱۳ منشور

حقوق شهروندی (۱۳۹۵)

هر شهروند حق بهره‌مندی

از محیطزیست سالم، پاک

و عاری از انواع آلودگی، از

جمله: آلودگی هوا، آب و

آلودگی‌های ناشی از امواج و

تشعشعات مضر و آگاهی از

میزان و تبعات آلاینده‌های

محیطزیست را دارد. دستگاه‌های اجرایی برای کاهش آلاینده‌های

زیست‌محیطی به‌ویژه در شهرهای بزرگ تدابیر لازم را اتخاذ

می‌کنند.

۳) قانون هوای پاک

اکثر کلان‌شهرهای کشور طی سال‌های اخیر با معضل آلودگی هوا مواجه شده‌اند. به عنوان مثال شهر تهران در سال ۱۴۰۱، مجموعاً ۱۷۰ روز آوده داشته است (تقریباً نیمی از سال)، و این رقم در سال ۱۴۰۰ برابر ۱۱۴ روز بوده است. این تغییرات نشان از افت چشمگیر کیفیت هوا و افزایش آلاینده‌ها در هوای این شهر دارد.

هواى آلوده، خسارات و صدمات بسیاری از حیث سلامت، اقتصاد، و تأثیرات روحی و روانی و اجتماعی در پی دارد و ابعاد خسارات ناشی از آلودگی هوا هرساله در حال گسترش است و در حال حاضر، این امر نتیجه مستقیم عدم اجرای مطلوب قوانین مربوط به محیط زیست و هوای پاک است.

قانون هوای پاک، مصوب ۲۵ تیر سال ۱۳۹۶ در مجلس شورای اسلامی، آخرین و جامع‌ترین قانونی است که مستقیماً به موضوع آلودگی هوا می‌پردازد. این قانون، مشتمل بر ۳۴ ماده و ۳۹ تبصره است که ۸ آیین‌نامه ذیل این قانون تصویب شده است.

قانون هوای پاک دستگاه‌های مختلف اجرایی کشور از جمله: وزارت نفت، وزارت جهاد کشاورزی (سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری)، وزارت کشور، وزارت نیرو، وزارت راه و شهرسازی (سازمان هوشناسی کشور)، سازمان ملی استاندارد، نیروی انتظامی، شهرداری‌ها، مالکان، مسئولان یا رؤسای مراکز اداری، بهداشتی، درمانی، خدماتی، عمومی و تجاری را مکلف کرده است تا به تناسب وظایف خود، اقداماتی برای کنترل آلودگی هوا انجام دهند.

طبق ماده یک قانون هوای پاک، آلودگی هوا عبارت است از: انتشار یک یا چند آلایندهٔ اعم از آلاینده‌های جامد، مایع، گاز، پرتوهای یون‌ساز و غیر یون‌ساز، بو و صدا در هوای آزاد، به صورت طبیعی یا انسان ساخت، به مقدار و مدتی که کیفیت هوا را به گونه‌ای تغییر دهد که برای سلامت انسان و موجودات زنده، فرآیندهای بوم شناختی (اکولوژیکی) یا آثار و ابنیه زیان‌آور بوده و یا سبب از بین رفتن یا کاهش سطح رفاه عمومی شود.

این قانون به موضوعات مهمی در حوزه مقابله با آلودگی هوا مانند: تعریف مواقع‌اضطراری، تعیین مسئول‌منوعیت‌ها یا محدودیت‌های موقت زمانی، مکانی و نوعی در زمان آلودگی هوا، دستگاه‌های



مسئول اجرایی برای

انجام راه‌های مقابل با

آلودگی هوا، جرایم و

مجازات‌های متمرذین

از قوانین مربوطه، نحوه

تعیین استانداردهای

وسایل آلاینده و کنترل

و نظارت بر آن، تعین

وظایف سازمان محیط

زیست در زمینه آلودگی

هوا، وظایف راهنمایی و

رانندگی نیروی انتظامی

در این موضوع، الزام به

دریافت گواهی معاینه

فنی وسایل نقلیه ریلی،

هوایی و دریایی بر

اساس استانداردها و ضوابط سازمان‌های بین‌المللی مرتبط

و مسائل مربوط به آن، تعیین بودجه و محل هزینه‌کرد

درآمد‌ها، نوسازی ناوگان حمل و نقل عمومی، مقررات مربوط

به احداث، توسعه، تغییر خط تولید و تغییر محل واحدهای

تولیدی، صنعتی و معدنی می‌پردازد.

طبق ماده دو این قانون: تمامی اشخاص، دستگاه‌ها و

مؤسسات اعم از دولتی و غیردولتی و دستگاه‌هایی که شمول

قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است و تمامی

اشخاص مستقر در مناطق آزاد تجاری– صنعتی، مناطق

ویژه اقتصادی، شهرک‌ها و نواحی صنعتی موظف هستند

تا مقررات این قانون را رعایت کنند. سازمان محیط زیست،

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژهای، رئیس قوه قضاییه، در

تاریخ ۱۶ آذر ۱۴۰۲ در دیدار با دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی،

با اشاره به مقوله احیای حقوق عامه گفت: ما در دستگاه قضایی به

موجب وظیفه ذاتی خود، مصرا نه و مجدانه، مقوله احیای حقوق عامه

را پیگیری می‌کنیم؛ همین قضیه آلودگی هوا و احیاناً استفاده از

مازوت در برخی از نیروگاه‌ها، از جمله مصادیق حقوق عامه محسوب

می‌گردد و ما در این مورد، مسئولان ذی‌ربط را نا‌تن‌ن‌ها مورد تذکر،

بلکه مورد تهدید قرار داده‌ایم و به آن‌ها اعلام کرده‌ایم که چنانچه

ترک‌فعل‌هایشان در این قضیه احراز گردد، برخورد‌های مقتضی با

آن‌ها به عمل خواهد آمد.»

نظر دادستان مربوط طی کرده باشند، برای اجرای مفاد این قانون به

عنوان ضابط دادگستری تعیین می‌شوند.

هرچند قوانین متعددی در زمینه مقابله با آلودگی هوا، تصویب شده

است، اما این قوانین و مصوبات اجرای مطلوبی نداشتند‌تا و این موضوع

در مورد قانون هوای پاک محسوس‌تر است.

دلایل عدم اثربخشی قانون هوای پاک

با وجود قوانین و مصوبات متعددی در حوزه آلودگی هوا، توفیقی در

مهار این بحران حاصل نشده است و همچنان کلان‌شهرهای کشور با

پدیده آلودگی هوا درگیر هستند. چنانکه با گذشت بیش از پنج سال

از تصویب قانون هوای پاک، اقدامات انجام گرفته در راستای اجرای

این قانون موفق نبوده و میزان آلودگی هوا نیز افزایش پیدا کرده است.

کمیود منابع مالی، در اولویت نبودن مسئله آلودگی هوا، عدم وجود

نظارت کافی و مؤثر بر اجرای قانون از سوی دستگاه‌های اجرایی

مانند سازمان محیط زیست، تعدد مراجع تصمیم‌گیر، ناهماهنگی بین

دستگاه‌های مجری و عملکرد جزیره‌ای، تفسیر شخصی از متون قانون

و در نهایت ایرادات متن قانون، از عوامل مهم عدم اجرای موفق این

قانون و اثربخشی آن است.

اقدامات دستگاه قضا در راستای نظارت بر اجرای قانون هوای پاک

با افزایش آلودگی و تبعات زیان‌بار آن و عدم انجام اقدام محسوس

و ملموس از سوی دستگاه‌های مسئول در حوزه قانون هوای پاک و

به جهت حق شهروندان در بهره‌مندی از هوای پاک، دستگاه قضا در

راستای وظیفه محوله در این قانون و حفظ حقوق عامه، اقداماتی در

این زمینه انجام داده است.

پیگیری رئیس دستگاه قضا در مورد آلودگی هوا در راستای حقوق عامه

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژهای، رئیس قوه قضاییه، در

تاریخ ۱۶ آذر ۱۴۰۲ در دیدار با دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی،

با اشاره به مقوله احیای حقوق عامه گفت: ما در دستگاه قضایی به

موجب وظیفه ذاتی خود، مصرا نه و مجدانه، مقوله احیای حقوق عامه

را پیگیری می‌کنیم؛ همین قضیه آلودگی هوا و احیاناً استفاده از

مازوت در برخی از نیروگاه‌ها، از جمله مصادیق حقوق عامه محسوب

می‌گردد و ما در این مورد، مسئولان ذی‌ربط را نا‌تن‌ن‌ها مورد تذکر،

بلکه مورد تهدید قرار داده‌ایم و به آن‌ها اعلام کرده‌ایم که چنانچه

ترک‌فعل‌هایشان در این قضیه احراز گردد، برخورد‌های مقتضی با

آن‌ها به عمل خواهد آمد.»

دستور رئیس کل دادگستری استان تهران برای بررسی عملکرد دستگاه‌ها در حوزه قانون هوای پاک و محکومیت برخی مدیران به دلیل ترک فعل در این زمینه

رئیس کل دادگستری استان تهران در نشست شورای قضایی استان

تهران در تاریخ ۱۲ آذر ماه ۱۴۰۲، در رابطه با قانون هوای پاک

گفت: با توجه به اینکه حق بهره‌مندی از هوای سالم، مطالبه به حق

جامعه است و هر ساله سلامت جامعه به‌لحاظ تشدید آلودگی هوا به

مخاطره می‌افتد، ضرورت دارد که در این حوزه دادستان عمومی و

انقلاب تهران به‌عنوان مدعی‌العموم ورود اساسی داشته باشد و سازمان

بازرسی نیز از باب وظیفه ذاتی این سازمان مبنی بر نظارت بر حسن

اجرای قوانین و مقررات اقدامات و بررسی‌های لازم را پیرامون عملکرد

دستگاه‌های متولی در حوزه قانون هوای پاک انجام دهد.

القاضی با اشاره به اینکه وظایف دستگاه‌ها بر اساس قانون هوای

پاک مکمل یکدیگر است و هرگونه اهمال از سوی دستگاه‌های

داری مسئولیت سبب بروز اشکال و خلل در روند انجام وظایف سایر

اگر در کلاهبرداری عاملین چند نفر باشند جزای نقدی هر یک چطور محاسبه میشود؟

به موجب ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از یک تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم میشود.

اما اگر کلاهبرداری با مشارکت دو یا چند نفر انجام شده باشد، جزای نقدی هر یک از شرکای جرم به میزان سهم او از مال اخذ شده تعیین خواهد شد و در مواردی که سهم هر یک از شرکا دقیقاً معلوم نباشد، میزان جزای نقدی به صورت مساوی بین آنان تعیین می‌گردد

- سه‌شنبه ۲۱ آذر ماه ۱۴۰۲•سال دوم • شماره ۴۲



پاک در ایران

دستگاه‌ها خواهد شد، گفت: پیش از این، در مورد ترک فعل برخی اشخاص دارای مسئولیت در حوزه قانون هوای پاک در دادسرای عمومی و انقلاب تهران پرونده‌ای تشکیل شد که پس از انجام بررسی‌های تخصصی لازم از سوی سازمان بازرسی و سایر نهادهای نظارتی، علیه پنج نفر از مدیران وقت به‌لحاظ ترک فعل و با عنوان سوءاستفاده از مقام و موقعیت شغلی کیفرخواست صادر گردید و در نهایت منجر به محکومیت این اشخاص شد.

نامه سازمان بازرسی به سازمان محیط زیست

به گزارش روابط عمومی سازمان بازرسی کل کشور در تاریخ ۱۵ آذر ماه ۱۴۰۲، معاون تولیدی سازمان بازرسی طی نامه‌ای به سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان دستگاه ناظر بر اجرای قانون هوای پاک، نسبت به معقول ماندن اقدامات زیربنایی در اجرای قانون هوای پاک هشدار داد.

در این نامه اشاره شده؛ با وجود این که در مواد (۸)، (۱۱)، (۱۲) و

(۱۸) قانون هوای پاک تکالیفی برای وزارت‌خانه‌های نفت و صنعت،

معدن و تجارت در راستای بهبود وضعیت تولید سوخت فسیلی و

بهبود کوره‌های احتراقی «نیروگاه‌ها، صنایع و خودروها» تعیین

شده؛ کماکان در این مورد اقدام اجرایی مؤثری به عمل نیامده

است.

در ادامه این نامه به عدم انجام وظیفه وزارت نیرو به موجب ماده (۱۹)

قانون هوای پاک، مبنی بر توسعه، تولید و عرضه انرژی‌های تجدیدپذیر،

به نحوی که حداقل ۳۰ درصد، افزایش سالانه ظرفیت مورد نیاز برق

کشور از انرژی‌های تجدیدپذیر تأمین شود، اشاره شده است.

همچنین در این نامه به عدم اهتمام وزارت کشور و شهرداری‌ها به

تکالیف خود در مواد (۹) و (۱۰) این قانون در زمینه توسعه و نوسازی

حمل و نقل عمومی شهری و ناوگان حمل و نقل عمومی به عنوان

سهل‌الوصول‌ترین راه کاهش آلودگی هوا پرداخته شده است.

در پایان این نامه، در راستای بند «ج» ماده (۱۱) قانون تشکیل

سازمان بازرسی کل کشور و به منظور اجرای صحیح قوانین و حسن

جریان امور موارد ذیل مورد تأکید قرار گرفته است.

۱) گزارشی از اقدامات زیربنایی دستگاه‌های اجرایی مرتبط با بهبود

وضعیت تولید سوخت فسیلی و بهبود کوره‌های احتراقی و نیز

اقدامات اجرایی صورت گرفته بر اساس برنامه اجرایی مذکور، ظرف

مدت حداکثر ۶ ماه ارائه شود.

۲) ضمن ارائه گزارش آخرین وضعیت اجرای ماده (۱۹) قانون هوای

پاک و ماده (۵۰) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه؛ با همکاری

وزارت نیرو نسبت به الزام فوری ارگان‌های دولتی به اجرای مصوبه

سال ۱۳۹۵ هیئت وزیران و الزام صنایع به اجرای موضوع ماده (۱۶)

قانون جهش تولید دانش بنیان در تولید انرژی تجدیدپذیر اقدام شود.

۳) با استفاده از ظرفیت ماده (۸) آیین‌نامه اجرایی ماده (۲۷) قانون

مالیات بر ارزش افزوده و مواد (۹) و (۱۰) قانون هوای پاک، نسبت به

الزام فوری شهرداری‌ها برای تقویت ناوگان حمل و نقل همگانی داخل

شهری اقدام و نتیجه را به این سازمان اعلام کنند.

در نهایت باید گفت، با وجود تلاش‌هایی که در زمینه تضمین حق

برخورداری از محیط زیست سالم در حقوق عمومی ایران انجام شده

است، رویکردها و نگرش‌ها به اهمیت مساله چندان قابل قبول نیست.

به نحوی که برای بسیاری از مردم و دولتمردان موضوع حفاظت از

محیط زیست به عنوان یک موضوع حاشیه‌ای تبدیل شده در حالی

که تضمین حق بر محیط زیست سالم، مخصوصاً در مواردی مانند

حق بهره‌مندی از هوای پاک، که با حقوق اساسی مانند حق سلامتی

و بهداشت در ارتباط است، نه تنها موضوعی حاشیه‌ای نیست بلکه

اهمیت آن برای جوامع دو چندان است.

اگر زن منزل شوهر را ترک کند ، و با حکم دادگاه تن به تمکین شوهر ندهد چه ضررهایی متوجه او خواهد شد؟

چنانچه در دادگاه با دادخواست زوج، حکم به تمکین زوجه صادر شود و زوجه از تمکین خود داری نماید سه (۳) ضرر عمده متوجه زوجه خواهد شد: ۱- از تاریخ صدور حکم تمکین دیگر به زن نفقه تعلق نخواهد گرفت. ۲- زوج می تواند تقاضای ازدواج مجدد به دادگاه دهد و دادگاه با بررسی به وی اجازه ازدواج مجدد را صادر می کند. ۳- اگر در این صورت ، زوج اقدام به دادخواست طلاق دهد ، زوجه از حق تنصیف اموال شوهرش محروم خواهد شد

ضابطان قضایی، وظایف و محدودیت‌ها

ضابطان قضایی، به عنوان بازوی اجرایی دادرسی و دادگاه‌ها، نقش بسیار مهمی در دستیابی به عدالت کیفری و نزدیک شدن هر چه بیشتر به نظام کیفری مطلوب و کارآمد دارند.

حفظ کرامت و ارزش‌های والای انسانی، تأمین آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی از موضوعات مهمی هستند که تحقق آن‌ها در گرو اقدامات صحیح و عادلانه دستگاه قضایی کشور است.

طبق قوانین موجود، نه تنها محکومیت‌ها باید منطبق بر قانون و اصول و موازین قضایی باشد، بلکه کشف و تعقیب جرایم، دستگیری مجرم و رسیدگی به اتهام‌های آن‌ها نیز باید مبتنی بر رعایت قوانین و با دستور قضایی انجام شود و از اعمال هرگونه سلیقه شخصی، سوءاستفاده از قدرت، اعمال هرگونه خشونت، یا بازداشت‌های غیرقانونی اجتناب شود. در این بین، ضابطان قضایی یا ضابطان دادگستری، به عنوان بازوی اجرایی دادرسی و دادگاه‌ها، نقش بسیار مهمی در دستیابی به عدالت کیفری و نزدیک شدن هر چه بیشتر به نظام کیفری مطلوب و کارآمد دارند.

توجه ویژه ریاست قوه قضاییه به موضوع نظارت بر کار ضابطان قضایی

موضوع ضابطان قضایی از همان روزهای نخست ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای بر دستگاه قضا، از دغدغه‌های مهم وی بوده است، به نحوی که در اولین نشست شورای عالی قوه قضاییه با شورای قضایی استان‌ها نیز بر این موضوع تأکید داشته و در این مورد دستور داده است: «قضات در صدور احکام بر اساس تشخیص خود عمل کنند، نه بر اساس تشخیص ضابطان.»

این موضوع بارها توسط رئیس قوه قضاییه مورد تأکید قرار گرفت و در مدت ریاست خود، توصیه‌هایی به ضابطان قضایی در مورد حدود و ثغور وظایف آن‌ها داشته است. تا اینکه این دغدغه منجر به صدور یک دستورالعمل در رابطه با «نحوه اعمال نظارت مقامات قضایی بر ضابطان دادگستری» در تاریخ ۱۶ خرداد ماه ۱۴۰۲ شد.

این دستورالعمل در اجرای ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری و سایر مقررات قانونی مربوطه، برنامه‌های تحولی قوه قضاییه، تعیین سازوکار و چارچوب همکاری ضابطان با مقامات قضایی و استفاده بهینه از ظرفیت ضابطان دادگستری در تحقق عدالت قضایی، صادر شده است. همچنین رئیس قوه قضاییه، طی سخنانی در نشست اعضای شورای عالی قوه قضاییه با رؤسای کل دادگستری و دادستان‌های مراکز استان‌ها، در تاریخ ۱۸ آبان سال جاری، ۱۵ دستور مهم خطاب به رؤسای کل دادگستری و دادستان‌های مراکز استان‌ها صادر کرده است که دو دستور از پانزده دستور رئیس قوه قضاییه خطاب به مقامات قضایی به ضابطان قضایی و نظارت مستمر بر کار آن‌ها به منظور عدم تخطی از موازین قانونی و شرعی در زمان جلب متهمان مربوط می‌شود.

از آنجا که طبق ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری: ریاست و نظارت بر ضابطان دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط به عهده دارند با دادستان است و سایر مقامات قضایی نیز در امری که به ضابطان ارجاع می‌دهند، حق نظارت دارند. بنابراین، وظیفه نظارت بر کار ضابطان بر عهده دادستان‌ها و مقامات قضایی قرار دارد.

ضابط قضایی یا ضابط دادگستری به چه کسی گفته می‌شود؟

طبق ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری: ضابطان دادگستری، مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.

احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن مشروط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. طبق قانون، تحقیقات و اقدامات انجام گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است. دادستان جهت نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان، واحدهای مربوطه را حداقل هر دو ماه یک بار بازرسی می‌دهد و در هر مورد، مراتب را در دفتر مخصوصی که به این منظور تهیه

می‌شود، قید و دستورهایی لازم را صادر می‌کند.

انواع ضابط قضایی

طبق قانون، ضابطان به‌دو نوع ضابطان عام و ضابطان خاص تقسیم می‌شوند:

ضابط عام کیست؟

طبق ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطان عام شامل: فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران می‌شود که آموزش مربوط را دیده باشند.

طبق بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، اهم وظایفی که نیروی انتظامی به عنوان ضابط قوه قضاییه دارد عبارت است از: پیشگیری از وقوع جرم، کشف جرم، بازرسی و تحقیق، حفظ آثار و دلایل جرم، دستگیری متهمان و بزهکاران و جلوگیری از فرار و مخفی شدن آنان و اجرا و ابلاغ احکام قضایی، مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با قاچاق، مبارزه با منکرات و فساد.

طبق این قوانین: پلیس کلانتری، پلیس مواد مخدر، پلیس مبارزه با قاچاق، پلیس امنیت اخلاقی، پلیس آگاهی پلیس امنیت، پلیس بین‌الملل، پلیس سایبری، پلیس قضایی و پلیس اطلاعات، از ضابطان عام محسوب می‌شوند.

ضابط خاص کیست؟

طبق ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی می‌شود که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ افرادی مانند: روسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آن‌ها محول شود. طبق قوانین موجود، برخی دیگر از ضابطان خاص عبارتند از: مأموران وصول عایدات دولت و کشف قاچاق، مأموران جنگلبانی، مأموران پلیس انتظامی راه آهن، مأموران شکاربانی، مأموران محافظ سازمان میراث فرهنگی، مأموران گارد بندار و گمرکات کشور، مأموران شهرداری، مأموران وزارت جهاد کشاورزی، مأموران وزارت نیرو، بازرسان سازمان تأمین اجتماعی، مأموران وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، مأموران سازمان بازرسی، وزارت صنعت، تجارت و بازرگانی، بازرسان و کارشناسان موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی، بازرسان وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، مأموران وزارت راه و شهرسازی، اعضای شورای اسلامی روستا، پزشکان شاغل در سازمان پزشکی قانونی و مقامات و اشخاص رسمی.

وظایف ضابطان قضایی چیست؟

ضابطان قضایی، با توجه به ضابط عام یا ضابط خاص بودن، وظایف متفاوتی دارند. طبق فصل دوم قانون آیین دادرسی کیفری که در رابطه با ضابطان دادگستری و تکالیف آن‌ها تدوین شده است، وظایف و تکالیف ضابطان دادگستری شامل این موارد می‌شود:

ضابطان ملزم به انجام دستورها و تکمیل پرونده، در اسرع وقت و در مدتی هستند که دادستان یا مقام قضایی مربوط تعیین می‌کند. در صورتی که بنا به شرایط موجود نتوانند انجام وظیفه کنند، باید تا پایان مهلت تعیین شده، گزارش آن را همراه با ذکر علت، به دادستان یا مقام قضایی مربوطه ارسال کنند.

ضابطان موظف به پذیرش گزارش‌های کتبی و شفاهی، در همه اوقات و بدون محدودیت زمانی هستند. شکایت شفاهی را در صورت مجلس قید و به امضای شاکی می‌رسانند، اگر شاکی نتواند امضاء کند یا سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود.

ضابطان دادگستری مکلفند پس از دریافت شکایت، به شاکی رسید بدهند و به فوریت پرونده را نزد دادستان ارسال کنند.

ضابطان دادگستری مکلفند شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های (کمک) حقوقی آگاه کنند. ضابطان دادگستری مکلفند اظهارات شاکی در مورد ضرر و زیان وارده را در گزارش خود به مراجع قضایی ذکر کنند.

زمانی که قرائن و امارات مربوط به وقوع جرم مورد تردید است یا اطلاعات ضابطان دادگستری از منابع موثق نیست، آنان باید پیش از اطلاع به دادستان، بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات لازم را انجام دهند و نتیجه آن را به دادستان گزارش دهند. دادستان با توجه به این گزارش، دستور تکمیل تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب را اتخاذ می‌کند.

ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرایم غیر مشهود مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورها لازم به دادستان اعلام می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ می‌کند. ضابطان دادگستری درباره جرایم مشهود (که موارد آن در ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است)، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. همچنین

اگر شاهد یا مطلعی در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات آن‌ها را اخذ و در پرونده درج می‌کنند. ضابطان دادگستری فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت کنند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط او وجود داشته باشد.

ضابطان دادگستری باید نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند. چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند، اما نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگه دارند. چنانچه در جرایم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. زمانی که متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق قانونی مربوط به شخص تحت نظر را به او تفهیم کنند و به صورت مکتوب در اختیار او قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.

ضابطان دادگستری مکلفند اظهارات شخص بازداشتی، علت بازداشت، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ و ساعتی را که شخص نزد قاضی معرفی شده را در صورت مجلس قید و آن را به امضاء یا اثر انگشت متهم برسانند. همچنین مکلفند تاریخ و ساعت آغاز و پایان بازداشت را در دفتر خاصی ثبت و ضبط کنند.

طبق دستورالعمل نظارت مقامات قضایی بر نحوه کار ضابطان، بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود.

محدودیت‌های ضابطان قضایی چیست؟

علاوه بر تعیین وظایف ضابطان قضایی در قانون، محدودیت‌هایی نیز برای ضابطان در قانون آیین دادرسی کیفری، پیش‌بینی شده است که در ادامه بیان می‌شود: ضابطان دادگستری اختیار اخذ تأمین از متهم را ندارند و مقامات قضایی نمی‌توانند اخذ تأمین را به آنان محول کنند. در هر صورت هرگاه اخذ تأمین از متهم ضرورت داشته باشد، تنها توسط مقام قضایی طبق مقررات قانون دادرسی کیفری اقدام می‌شود. بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود. ضابطان نمی‌توانند متهم را بیش از ۲۴ ساعت تحت نظر قرار دهند و تنها در صورت تشخیص و دستور دادستان، می‌توانند این مدت را افزایش دهند. طبق دستورالعمل نظارت مقامات قضایی بر نحوه کار ضابطان، ضابطان موظف به خودداری از انجام هرگونه مصاحبه و اطلاع‌رسانی در خصوص پرونده‌های قضایی و اتهامات متهمان و نحوه دستگیری آن‌ها قبل از هماهنگی با مقامات قضایی ذیربط، خودداری از افشای اطلاعات مرتبط با هویت و محل اقامت بزه دیده، شهود، مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده، هستند. همچنین، ضابطان به غیر از موارد مصرح در حکم قضایی، حق ورود به حریم شخصی اشخاص را ندارند، مگر در مسائلی که جنبه امنیتی و آسیب به عموم جامعه را داشته باشد که در این صورت ضمن حفظ ادله و تنظیم صورتجلسه موظفند فوراً مراتب را جهت هرگونه دستور مقتضی به مرجع قضایی صالح گزارش کنند.

مطابق مواد ۲۵۵ الی ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین آیین نامه مربوطه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم براءت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می توانند از دولت مطالبه خسارت ایام بازداشت خود را بکنند



یادداشت حقوقی

مسئولیت پرداخت وجه چک بلامحل شرکت با چه کسی است؟

درباره چکهای صادره از سوی شرکتها و موسسات و اشخاص حقوقی طبق ماده ۱۹ قانون صدور چک در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از: شخص حقیقی یا حقوقی (مانند شرکتها) صادر شده باشد، صادر کننده چک و صاحب امضاء متضامنا مسئول پرداخت وجه چک هستند و



دکتر امیر مهدی صالحی مقدم مدرس دانشگاه

اجرائیه و حکم ضرر و زیان بر اساس مسئولیت تضامنی علیه هر دو نفر صادر میشود. یعنی بر اساس قانون برای مطالبه وجه چک هم میتوانید به اموال خود شرکت رجوع کنید و هم میتوانید از مدیری که زیر چک را امضاء کرده است مطالبه وجه کنید. از لحاظ کیفری نیز مسئولیت صدور چک بلامحل با امضاء کننده چک است مگر اینکه ثابت کند عدم پرداخت، مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی اوست که در اینصورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسئول خواهد بود.

شعبه ویژه دیوان عدالت اداری در قانون جدید بانک مرکزی

ادامه از صفحه اول:

ترتیب رسیدگی به تخلفات و صدور و ابلاغ اوراق و احکام انتظامی، اخذ دفاعیات و ترتیبات درخواست تجدیدنظر از آراء و تصمیمات، طرز رسیدگی مجدد و اجرای احکام انتظامی و شرایط عزل و نصب و انتصاب مجدد و جلوگیری از تعارض منافع

اعضا، به موجب ضوابطی خواهد بود که به پیشنهاد بانک مرکزی به تصویب هیئت عالی می رسد.

آرای هیئت انتظامی بدوی و تجدیدنظر بانک مرکزی در صورت عدم اعتراض محکوم علیه یا دادستان انتظامی بانک مرکزی یا اشخاص ثالث متضرر، ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ رأی، قطعی و لازم الاجرا است.



و بانکی هستند که به پیشنهاد رئیس کل و تأیید رئیس قوه قضائیه، برای مدت سه سال تعیین می شوند و انتخاب مجدد آن ها بلامانع است. (۳) جلسات شعبه قضائی ویژه موضوع این بند با حضور اکثریت قضاوت و اکثریت اعضای هیئت کارشناسی تشکیل می شود. نکته ای که در این بند قابل توجه می باشد آن است که ملاک صدور رأی، رأی حداقل دو نفر از قضات عضو شعبه است و نظرات کارشناسان مشورتی می باشد. در متن رأی صادره باید نظرات این کارشناسان درج گردد و در صورتی که رأی صادره با نظر اکثریت کارشناسان عضو هیئت مخالف باشد، لازم است دلایل عدم پذیرش نظر اکثریت

کارشناسان، در متن رأی صادره به صراحت بیان شود. (۴) این شعبه قضائی ویژه صرفاً به تقاضاهای تجدیدنظرخواهی از آراء هیئت انتظامی تجدیدنظر بانک مرکزی رسیدگی می کند و موظف است رسیدگی به تقاضاهای واصله را به فوریت انجام دهد. آرای این شعبه قضائی ویژه، قابل تجدیدنظرخواهی، ابطال، توقف، فرجامخواهی و رسیدگی مجدد، در هیچ مرجع دیگری نمی باشد. البته امکان اعمال ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری نسبت به آرای این شعبه همچنان به عنوان استثناء پذیرفته شده است. رئیس قوه قضائیه در صورت ضرورت و جهت رسیدگی سریع تر به پرونده ها، می تواند شعب دیگری را با ترتیبات مذکور در این بند ایجاد نماید. نگارنده بر این اعتقاد است که قانون بانک مرکزی واجد مزایای جدی در مورد ساختار تصمیم گیری بانک مرکزی، پاسخگویی و شفافیت، اصلاح تعارض منافع و تقویت قدرت نظارتی بانک مرکزی است و از این لحاظ می تواند منجر به بهبود وضعیت فعلی قوانین پولی و بانکی در کشور گردد؛ ولی از منظر اصلاح ساختاری رابطه بانک مرکزی و دولت (استقلال بانک مرکزی از دولت) روایت همچنان باقی است. نتایج نشان می دهد میزان شاخص استقلال قانونی بانک مرکزی در قانون بانک مرکزی در مقایسه با قوانین قبلی افزایش نسبی یافته؛ اما افزایش آن به میزانی است که کماکان وضعیت استقلال قانونی بانک مرکزی در زمره ۲۵ درصد کشورهای با کمترین درجه استقلال قرار خواهد گرفت.

اساس ایراد شورای نگهبان همین فصل الخطاب بودن احکام هیئت های بدوی و تجدیدنظر بانک مرکزی وعدم مداخله قوه قضائیه در رسیدگی به تظلمات متضرران احتمالی تصمیمات این هیئت ها می باشد. شورای نگهبان این فصل الخطاب بودن را برخلاف ۳۴، ۱۵۶، ۱۵۹ و ۱۷۳ قانون اساسی اعلام کرده بود. این اختلاف بالاخره در مجمع تشخیص مصلحت نظام با پیش بینی «شعبه ویژه دیوان عدالت اداری» و وضع مقررات اختصاصی مقتضی برای این شعبه حل شد.

به موجب بند (چ) ماده ۲۲ قانون بانک مرکزی ج.ا.ا. آرای هیئت انتظامی تجدیدنظر بانک مرکزی ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ، انحصاراً در شعبه قضائی ویژه ای که در دیوان عدالت اداری توسط رئیس قوه قضائیه مقرر ایجاد می شود، قابل تجدیدنظرخواهی است: (۱) شعبه قضائی ویژه موضوع این بند، متشکل از سه قاضی مسلط به امور پولی و بانکی با حداقل پانزده سال تجربه رسیدگی به پرونده های اقتصادی، پولی و بانکی است که توسط رئیس قوه قضائیه برای مدت سه سال منصوب می شوند و انتصاب مجدد آنها بلامانع است. رئیس شعبه قضائی ویژه موضوع این بند توسط رئیس قوه قضائیه از میان قضات عضو انتخاب می شود. (۲) جلسات شعبه قضائی ویژه موضوع این بند باید با حضور هیئت کارشناسی تشکیل شود. هیئت مذکور متشکل از پنج نفر افراد خبره مورد وثوق با حداقل پانزده سال تجربه مفید در حوزه های اقتصادی، پولی

یادداشت حقوقی

وکالت بلاعزل در طلاق

زوجه برای جدا شدن از همسرش یا باید برای طلاق توافقی با او به سازش برسد، یا اینکه دلیل منطقی مانند عسر و حرج، حبس بیش از ۵ سال، غیبت طولانی مدت زوج و... را به دادگاه ارائه کند.



فاطمه منصوری نسب

در حقیقت بدون داشتن حق طلاق یا وکالت در طلاق

جدایی برای زوجه دشوار خواهد بود طلاق آخرین راه حل برای حل مشکلات زندگی مشترک است. لطفاً قبل از اینکه به صورت جدی به طلاق فکر کنید با مشاور خانواده مشورت نمایید هر فردی می تواند فرد دیگری را به عنوان وکیل انتخاب کند. به موجب حق وکالتی که برای طرف مقابل ایجاد شده است، کسی که وکالت در طلاق را دارد می تواند به عنوان نماینده قانونی زوج مراحل طلاق را انجام داده و برای جدایی اقدام کند.

در صورتی که زوجه بخواهد برای طلاق با داشتن حق طلاق اقدام کند، لازم است که وکالت طلاق از نوع بلاعزل باشد. در غیر این صورت مرد می تواند با وکالت دادن به شخص ثالث یا مراجعه به بندهای عقدنامه و... این حق را باطل کند و همچنان حق طلاق برای زوج محفوظ بماند.

وکالت بلاعزل در طلاق چیست؟

وکالت بلاعزل در طلاق در عرف به معنی حق طلاق شناخته می شود. با ارائه وکالت طلاق به عنوان شروط ضمن عقد و ثبت آن در دفتر اسناد رسمی زوجه نیز مانند همسرش دارای حق طلاق خواهد بود؛ بنابراین زن می تواند در هر زمانی با داشتن این وکالت نامه به دادگاه مراجعه کرده و پس از طی کردن مراحل قانونی طلاق بگیرد.

اولین دادگاه علنی برخط استان یزد برگزار شد

حقوقدانان جوان در راستای افزایش زمینه تعامل بیشتر جامعه دانشگاهی و حقوقی کشور با دستگاه قضایی است. وی افزود: این امر راستای اجرای سند تحول قضایی و بهره برداری از فناوری های نوین در ترویج و گسترش دانش حقوقی انجام می شود که در برخی از دادگستری های کشور هم اکنون در حال اجرا می باشد. شایان ذکر است در اولین دادگاه علنی برخط یزد، ۳۴۰ نفر به صورت زنده دادرسی و روند برگزاری دادگاه را تعقیب کردند و ۵۷۰ نفر نیز در طول برگزاری حضور یافتند.

آفتاب حقوقی: برای اولین بار در استان یزد، دادگاه علنی برخط (آنلاین) با موضوع «ابطال سند رسمی» پس از فراهم شدن بسترهای الکترونیک و جلب رضایت اصحاب دعوی برگزار شد.

رئیس کل محاکم عمومی و انقلاب یزد، در این رابطه گفت: این دادگاه در شعبه نوزده دادگاه عمومی حقوقی دادگستری شهرستان یزد توسط دادرسی شعبه، قاضی ابوالفضل ترکمانی برگزار شد. یدالله جعفری افزود: از محاسن مهم دادگاه های برخط، انتقال تجربیات و آموزش دانش حقوقی به وکلا و

عقود و تعهدات قراردادی

قسمت پایانی



حمیدرضا به‌گذر
وکیل پایه یک دادگستری

عقد اصلی از تولید و بروز اثر آن جلوگیری کرد، در این صورت لطمه‌ای بر ماهیت عقد نیز وارد نمی‌شود، نه به باطل است نه مبطل زیرا مخالف قانون تکمیل است نه امری. طرفین می‌توانند در ضمن عقد بر خلاف امری که مقتضای اطلاق عقد است شرط نمایند و یا بعضی از آثار آن را به طور جزئی محدود کنند. به طور مثال: مطابق ماده ۳۴۴ ق م مال بودن ثمن معامله از آثار عقد بیع مطلق است که شرطی در آن ذکر نشده باشد یعنی شرط در عقد مذکور نباشد خریدار مکلف است ثمن را نقدا پرداخت نماید ولی این امر مانع از آن نخواهد بود که طرفین نحوه پرداخت ثمن را به طور دیگری مقرر کنند، پس این اثر مقتضای ذات عقد نیست و شرط خلاف آن با ماهیت معامله تضادی ندارد و نیز اگر اسقاط خیار مجلس و خیار حیوان شرط گردد این شرط درست است زیرا لزوم مقدم مقصود اصلی است و خیار عارض بر آن است و این اخلاف به معنی اخلاف در عقد اصلی نیست. (فخلی، ۱۳۸۸)

نتیجه گیری
 با عنایت به مطالب ذکر شده در پژوهش حاضر به نظر می‌رسد اصولاً رعایت شرایط اساسی صحت قراردادهای جز علم تفصیلی به موضوع در مورد شروط ضمن عقد نیز لازم است. در واقع در مورد شرط قصد و رضا، از آنجایی که ماهیت شرط همچون قرارداد، ارادی است، تحقق آن به توافق اراده‌های انشائی است. اصل رضایی بودن شرط نیز مورد پذیرش است و از این جهت شروط تبانی قابل پذیرشند. طبیعی است برای تحقق شرط توافق اراده نیز ضروری است ولی به اعتقاد ما عدم تطابق میان ایجاب و قبول از حیث شروط ضمنی، بر خلاف نظر مشهور فقهی و حقوقی، عدم تحقق قرارداد را به دنبال ندارد. بلکه عقد اصلی بدون شروط ضمنی منعقد می‌گردد هر چند از جانب شخصی که شرط را مقرر نموده قابل فسخ است. البته اگر شرط جنبه اساسی داشته باشد و قید اراده به شمار آید، باید از عدم تحقق قرارداد اصلی نیز سخن گفت. اهلیت قانونی (اعم از اهلیت تمتع و استیفا) در مورد مشروط له و مشروط علیه نیز از شرایط اعتبار شرط به شمار می‌آید. به طور معمول شخصی که برای انعقاد قرارداد اصلی اهلیت دارد در خصوص شروط ضمن عقد نیز دارای چنین اهلیتی است. در عین حال گاه شخصی برای انعقاد عقد اهلیت دارد ولی نسبت به شرط فاقد اهلیت است مثل سفیه که برای ازدواج اهلیت دارد ولی در امور مالی نکاح مثل مهر فاقد اهلیت است. اگر موضوع شرط مجهول مطلق باشد، شرط به دلیل اینکه امکان اجرا ندارد باطل خواهد بود. لیک علم تفصیلی نیز لازم نیست. زیرا به طور معمول شروط ضمنی اهمیت اساسی ندارند و جهل به موضوع آن، موجب غرری شدن معامله نمی‌گردد. مگر اینکه جهل به شرط، موجب جهل به عوضین (در قراردادهایی که علم تفصیلی به موضوع قرارداد شرط است)، گردد، که در این صورت قرارداد اصلی و به تبع آن، شرط باطل خواهد بود. شرط مشروعیت جهت در مورد شروط ضمنی نیز لازم است زیرا در مورد قراردادهای مبنای مشروع بودن جهت حفظ منافع جامعه و پاسداری از نظم عمومی است و این مبنا در مورد شروط با جهت نامشروع نیز قابل اجرا است.

حقوقدانان مقتضای عقد را بر دودسته دانسته اند: مقتضای ذات عقد و مقتضای اطلاق عقد
 اول: مقتضای ذات عقد: آن عبارتست از اثری یا امری که عقل برای پیدایش آن منعقد می‌گردد و عقد بالذات تولیدکننده است و چنین اثری لاینفک از عقد خواهد بود بنابراین وقتی که می‌گویند شرط خلاف مقتضای عقد، موجب بطلان عقد است منظور مقتضای ذات عقد است در تعریف مقتضای ذات عقد می‌توان گفت: ((آن موضوع اصلی را که عقد به خاطر آن واقع می‌شود و در صورتیکه به واسطه آن نباشد عقد منعقد نمی‌گردد، مقتضای ذات عقد نامند)) (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۱)
 البته مقتضای عقود متفاوت است انتقال مالکیت مبیع خارجی، مقتضای ذات عقد بیع است که بدون آن نمی‌توان ماهیت معامله را محقق دانست. درج شرط این که مالکیت مبیع به خریدار انتقال پیدا نکند، چنین معنی می‌دهد که ذات عقد بیع محقق نشود. بدین جهت شرط مزبور نه تنها خود باطل است بلکه اساساً سبب بطلان عقد نیز خواهد بود. (صفایی، ۱۳۷۶)
 به عقیده اساتید فقه و حقوق چنانچه شرطی خلاف یکی از آثار یا اجزای مقتضای عقد باشد مخالف با مقتضای موجب بطلان نیست مثل این که در عقد بیع شرط شود مشتری برای مدت دو سال حق فروش ملک خریداری شده را ندارد. رویه قضایی نیز همین را تأیید کرده مگر آنکه جزء دارای چنان اهمیتی باشد که از ذات مقتضای عقد قابل تفکیک نباشد مانند این که در عقد نکاح شرط شود حق نزدیکی وجود نداشته باشد
 در هر معامله‌ای پاره‌ای آثار دیگر نیز وجود دارد که می‌توان آن را از مقتضیات با واسطه عقد دانست. این آثار در واقع آثار، اثر ذات عقد می‌باشند نه اثر خود عقد. دکتر شهیدی در این باره چنین گفته‌اند: ((آنچه که عقد را باطل می‌کند شرط خلاف مقتضای عقد است نه شرط خلاف مقتضای اثر عقد))

به طور مثال: اگر در زمان انعقاد عقد فروش یک زمین کشاورزی به غیر شرط شود که خریدار حق انتقال این ملک را به دیگری ندارد، عقد و شروط ضمن آن نافذ است زیرا این شرط در تعارضی با اثر مقتضای عقد است نه با خود مقتضای ذات عقد. شرط مخالف لزوم و جواز عقد نیز باطل است و هر گاه عقدی به سبب ذات، لزوم یا جواز اقتضا داشت، متقاعدین یا یکی از طرفین عقد نمی‌تواند بر خلاف آن را شرط نمایند.
 برای آن که لزوم و جواز حکم است نه حق که قابل اسقاط باشد اما اگر عقدی لزوم و جواز را اقتضا نداشت می‌توانند هر چه را که بخواهند مورد شرط قرار دهند می‌توان گفت هر وقت که بطلان شرط ضمن عقد به یکی از ارکان عقد خدش‌های وارد نماید، موجب فساد آن خواهد شد و شرط خلاف مقتضای ذات عقد یکی از مواردی است. قائلین به تفصیل میان شروط باطل آن را از موجبات فساد عقد می‌دانند. (کاتوزیان، ۱۳۸۵)

دوم: مقتضای اطلاق عقد: اطلاق عقد امری فرعی است که از ماهیت عقد ناشی نمی‌شود و لازمه آن نمی‌باشد بلکه هر گاه معامله به طور مطلق تشکیل شود اثر مزبور تحقق خواهد یافت ولی چون با ذات عقد ملازمه ندارد می‌توان درج شرط خلافی در ضمن

فرصت ۴ ساله مردم برای دریافت سند رسمی املاک قولنامه‌ای

رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور گفت: با تصویب نهایی قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول، در مجموع حدود ۴ سال به مردم برای دریافت اسناد رسمی اراضی و املاک قولنامه‌ای فرصت داده شده است. فرصت ۴ ساله مردم برای دریافت سند رسمی املاک قولنامه‌ای

حسن بابایی رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با قدردانی از مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تصویب طرح اعتبار بخشی به اسناد رسمی، گفت: خوشبختانه با مطرح شدن طرح الزام به ثبت معاملات اموال در جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام و تصویب ماده (۱) آن با درایت رئیس و اعضای این مجمع در رفع دغدغه‌های مقام معظم رهبری و رفع مشکلات و موانعی اسناد عادی برای جامعه، گفت: بعد از اینکه طرح از مجلس به مجمع ارسال شد اقدامات خوبی با برگزاری ۲۵ جلسه کارشناسی در دبیرخانه کمیسیون حقوقی قضائی انجام گرفت و برخی ایرادات آن برطرف شد ضمن اینکه شش جلسه هم از سوی کمیسیون در این خصوص برگزار شد که با درایت و دیدگاه مترقیانه اعضای مجمع، مشکل ماده (۱) این طرح که مورد اختلاف مجلس و شورای نگهبان بود مرتفع و به تصویب رسید.

رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با تشکر از حمایت‌های رئیس قوه قضائیه و حضور فعال و پیگیرانه در جلسات برای به نتیجه رساندن این طرح، ابراز امیدواری کرد که در جلسات آتی مجمع به سرعت این طرح به تصویب کامل برسد و عدم اعتبار اسناد عادی در مراجع قضایی و اداری به نوعی باشد که بعد از تصویب و اجرایی شدن شاهد کاهش ورودی پرونده‌ها و دعوی در مراجع قضائی باشیم. بابایی اظهار کرد: قطعاً یکی از آثار خوب این تصویب و نهایی شدن این طرح، حاکمیت بهداشت قضائی و حقوقی در بحث تملک، خرید و فروش و معاملاتی است که در مورد اموال غیرمنقول انجام می‌شود و دغدغه‌های مردم و حاکمیت در بحث این نوع معاملات کاهش خواهد یافت.

وی با تأکید بر اینکه هیچ‌گونه نگرانی برای مردم جهت اراضی و املاک قولنامه‌ای آن‌ها وجود ندارد گفت: با تصویب نهایی قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول، سازمان ثبت مکلف است سامانه‌ای را فعال کند و در این سامانه مالکین اراضی و املاک قولنامه‌ای باید مدارک و مستندات مالکیت خود را با مهلت دو ساله بارگذاری کنند و دو سال بعد از بارگذاری مستندات نیز فرصت دارند که نسبت به دریافت سند اقدام کنند و در مجموع حدود چهار سال به مردم برای دریافت اسناد رسمی اراضی و املاک قولنامه‌ای فرصت داده شده است.

وی ادامه داد: نقل و انتقال‌های بعدی در سامانه ثبت الکترونیک اسناد و در دفاتر اسناد رسمی به صورت قانونی ثبت می‌شوند و اگر این فرآیندها طی نشود، دعوای مطرح در مراجع قضایی با اسناد عادی دیگر قابلیت استناد نخواهند داشت و این اسناد در دادگاه‌ها و ادارات هم قابل قبول نیستند، لذا اسناد عادی در اختیار مردم از اعتبار نمی‌افتند و در این فرآیند به مردم برای تبدیل آن‌ها به اسناد رسمی فرصت داده می‌شود.

مطابق مفاد تبصره الحاقی به ماده (۱) طرح الزام به ثبت معاملات اموال غیرمنقول مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام دعوی راجع به مستندات معاملات ثبت نشده تا قبل از لازم الاجرا شدن این قانون که قطعیت آن‌ها به تشخیص رئیس قوه قضائیه محرز باشد پذیرفته می‌شود. مجمع تشخیص مصلحت نظام، رسیدگی به سایر مواد اختلافی مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان درباره طرح الزام به ثبت معاملات اموال غیرمنقول را در جلسات آتی خود ادامه خواهد داد. / فارس

دادداشت حقوقی

مجازات کلاهبرداری برای مؤسسات و

واحدهای آموزشی فاقد مجوز



نگار کمال
وکیل پایه یک دادگستری

وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی، آموزش و پرورش، کار و امور اجتماعی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشند نمایند و بعد از صدور دستور انحلال طبق ضوابط مقرر مؤسسه یا واحدهای آموزشی را در حکم کلاهبردار محسوب و تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت.

برابر قانون تعطیل مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی که بدون اخذ مجوز قانونی دائر شده و می‌شوند، اشخاصی که بدون اخذ مجوز از مراجع قانونی اقدام به ایجاد مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی از قبیل دانشگاه، مؤسسه آموزش عالی یا تحقیقاتی، مدرسه و آموزشگاه که از وظایف